

حکمرانی مطلوب؛

سازوکار ایجاد توانمندی در تحقق توسعه

امیر محمودی^۱ علیرضا آرش پور^۲

۱۳۹۶/۱۰/۲۸ ۱۳۹۴/۱۱/۳۱

چکیده

شاخص های حکمرانی مطلوب با توسعه در ابعاد مختلف، به ویژه توسعه اقتصادی، ارتباط مثبت و معناداری دارد. یکی از دلایل رشد منفی اقتصادی در چند سال گذشته، کم توجهی به شاخص های حکمرانی مطلوب بوده است. شاخص های متعددی را در این زمینه می توان احصاء و مورد ارزیابی قرار داد. شاخص های شش گانه ارائه شده توسط نهادهای بین المللی برنامه توسعه سازمان ملل متحد و بانک جهانی عبارتند از: حق اظهار نظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و پرهیز از خشونت، اثر بخشی حکومت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد شاخص هایی که از یک طرف می توان آنها را به عنوان معیاری برای سنجش میزان توسعه دانست و از سوی دیگر می توانیم بگوییم توسعه را برآیند توجه به این شاخص ها می باشد. بنابراین ارتباط موثر این شاخص ها با مفاهیم توسعه امری انکار ناپذیر است. از این رو در این مقاله با استفاده از آمار و اطلاعات رسمی سعی بر تجزیه و تحلیل این شاخص ها و بررسی تاثیر آنها بر اقتصاد ایران شده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، توسعه اقتصادی، شاخص های اقتصادی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیاست جهانی

۱. استادیار حقوق، حقوق و علوم سیاسی، آزاد کرج، کرج، ایران
نویسنده مسئول، ایمیل: amirmahmoody@gmail.com
۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه

درکنار همه حوادث ریز و درشت مهمی که در قرن بیستم رخ داده، شاهد ظهور دو فرایند دوران‌ساز بوده‌ایم: توسعه و جهانی شدن^۱. توسعه در نیمه اول قرن بیستم و جهانی شدن در ربع آخر این قرن مطرح شد. شکی نیست که هر دو فرایند، هم به لحاظ شکلی و هم به لحاظ ساختاری کاملاً نوظهورند. اگرچه نشانه‌هایی از پویای کم و بیش مشابه این فرایندها در دوران‌های گذشته می‌توان یافت، اما نمی‌توان با نگاهی ذات-گرایانه وجود آن‌ها را متقدم بر قرن بیستم دانست. شاید بتوان گفت در قرن بیست و یکم، هر دو فرایند به مرحله پختگی گفتمانی رسیده به گونه‌ای که شرایط لازم برای نهادی شدن آنها فراهم شده باشد. مساله اساسی این است که این دو فرایند تاکنون در رابطه علی با هم یا در چارچوب تاثیر و تاثر متقابل مورد توجه چندانی قرار نگرفته‌اند. توسعه و جهانی شدن اگرچه مستقل از هم به وجود آمده‌اند و فاصله زمانی میان پیدایش آنها نیز کم نیست اما احتمالاً بی‌ارتباط با هم نیستند. به گونه‌ای که تکامل مفاهیم و فرایند گفتمانی توسعه، زمینه ظهور جهانی شدن را فراهم نموده و جهانی شدن خود به عنوان یک فرآیند، وضعیت حکمرانانه‌ای^۲ را در دو سطح جهانی و ملی ایجاد نموده است. از این منظر حکمرانی در سطح جهانی^۳ الگویی برای گسترش همکاری‌ها میان بازیگران است و در سطح ملی حکمرانی مطلوب^۴، شرایطی برای تحقق توسعه پایدار در ساخت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولتهاست. با توجه به اهمیت رابطه میان جهانی شدن و توسعه در دوران معاصر، این مقاله به دنبال تبیین این مفهوم است که در اقتصادهای در حال توسعه‌ای چون ایران، تنها توجه جدی به حکمرانی مطلوب زمینه توسعه را فراهم خواهد آورد و به عبارت دیگر توسعه اقتصادی و سیاسی تابعی معنادار از عناصر حکمرانی مطلوب بشمار می‌روند. در این راستا پرسش اصلی نوشتار حاضر عبارت است از اینکه با توجه به وضعیت نابسامان رشد اقتصادی کشور در دولت‌های

1 Development
2 Globalization
3 Governance Situation
4 Global Governance
5 Good Governance

نهم و دهم، آیا وضعیت شاخص های حکمرانی مطلوب که در توسعه اقتصادی نقش مهم داشته‌اند، مثبت بوده و یا از رشد منفی برخوردار شده است؟ در پاسخ به این پرسش فرضیه در نظر گرفته شده در این رابطه عبارت است از اینکه؛ رشد منفی شاخص‌های حکمرانی مطلوب در ایران طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ یکی از مهمترین دلایل رشد منفی اقتصادی بوده است. ابتدا به تبیین ساختار مفهومی توسعه نیافتگی^۱ و توسعه، حکمرانی و حکمرانی مطلوب و نقش آن در توسعه اقتصادی پرداخته، سپس به اندازه‌گیری شاخص‌های حکمرانی مطلوب کشور در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۲ می‌پردازیم و نهایتاً ضمن نتیجه‌گیری، به ارائه راهکارهای ضروری برای مدیریت توانمندی‌ها در توسعه با توجه به شاخص‌های حکمرانی مطلوب می‌پردازیم. روش تحقیق کتابخانه‌ای و مبتنی بر توصیف و تحلیل شاخص‌های حکمرانی مطلوب است.

۱. چارچوب مفهومی: توسعه نیافتگی و توسعه

فورتادو^۲ در تعریف توسعه نیافتگی می‌گوید؛ وضعیتی است که به دلیل عدم هماهنگی بین عوامل اقتصادی و تکنولوژی کاربردی، امکان استفاده همزمان از سرمایه و نیروی کار در جامعه میسر نیست. (Furtado, 1969 : 141) از این جهت توسعه نیافتگی وضعیتی است که ناشی از روابط نابرابر بین کشورهای توسعه نیافته و توسعه یافته تلقی می‌گردد. لذا توسعه نیافتگی نمود عینی عنصر وابستگی به نظام سرمایه‌داری جهانی است. مایکل تودارو^۳، توسعه را جریانی چند بعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان بدهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه-های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد. (تودارو، جلد اول، ۱۳۶۶ : ۱۳۵) برخی نیز در تعریف توسعه، بر روند تاریخی آن تأکید کرده‌اند و توسعه را عبارت از مرگ تدریجی نظام کهن و تولید و رشد تدریجی نظام تازه از

1 Underdevelopment

2 Celso Furtado

3 Michael Todaro

زندگی تعریف نموده‌اند که این نظام تازه خود مرحله و شرایط تاریخی تازه‌ای برای جامعه خواهد بود. اندیشمندانی چون؛ آگوست کنت^۱، امیل دورکیم^۲، کارل مارکس^۳ و ماکس وبر^۴ در این جرگه قرار می‌گیرند.

۱-۱. حکمرانی و حکمرانی مطلوب

حکمرانی را می‌توان "نفوذ هدایت شده در فرایند های اجتماعی" تعریف کرد که مکانیسم های مختلفی در آن درگیر هستند، برخی از این مکانیسم‌ها بسیار پیچیده‌اند و فقط از بازیگران بخش دولتی سرچشمه نمی‌گیرند. ارائه تعریفی از حکمرانی، چالشی ظریف و پیچیده است. حکمرانی مشابه دولت نیست. حکمرانی موضوعی است درباره نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمانهای اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط اینها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده. حکمرانی فرایندی است که از آن طریق جوامع یا سازمان‌ها تصمیمات مهم خود را اتخاذ و مشخص می‌کنند تا چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند. به عبارت دیگر حکمرانی، مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادهای و سیاستها مشخص می‌کنند که قدرت در دست چه کسی باشد، تصمیمات چگونه اتخاذ کردند و وظایف چگونه انجام و ادا می‌شود. مفهوم حکمرانی را می‌توان در سطوح مختلفی چون سطح جهانی، ملی، سازمانی و جوامع محلی مورد استفاده قرار داد. چهار بخش اصلی جامعه که می‌توانند هر یک به نوبه خود در انجام امور انجام وظیفه کنند، عبارتند از: کسب و کار، مؤسسات جامعه مدنی (شامل سازمانهای داوطلب و بخش غیر انتفاعی)، دولت و رسانه. این بخشها با یکدیگر تداخل دارند. اندازه هر یک از این بخشها ممکن است در کشورهای مختلف، متفاوت باشد. بسیاری از صاحبان نظر حکمرانی معتقدند که این واژه مرتبط با اتخاذ تصمیماتی درباره جهت و هدایت است. در یکی از تعاریف ارائه شده: حکمرانی، هنر هدایت جوامع و سازمان‌هاست. از اینرو، حکمرانی شامل تعاملات بین ساختارها، فرایند ها و سنتهایی می‌شود که نحوه اعمال قدرت، نحوه اتخاذ تصمیمات و نحوه اظهار نظر شهروندان و سایر ذی نفعان را مشخص می‌کند. (وارث، ۱۳۸۰: ۵۵) اساساً حکمرانی

1 Auguste Comte
2 Emile Durkheim
3 Karl Marx
4 Max Weber

درباره قدرت، روابط و پاسخگویی است؛ چه کسی صاحب نفوذ است، چه کسی تصمیم می‌گیرد و تصمیم چگونه پاسخگو باقی می‌ماند. لوئیس فرچه دیدگاهی درباره حکمرانی دولتی ارائه کرده و معتقد است که حکمرانی فرایندی است که از آن طریق مؤسسات، کسب و کارها و گروههای شهروندی، علائق خود را بیان می‌کنند، درباره حقوق و تعهدات خود را اعمال نظر کرده و تفاوت‌های خود را تعدیل می‌کنند. (وارث، ۱۳۸۰: ش ۵۵) یکی دیگر از تعاریف حکمرانی عبارت است از: وضع فرایندها، ساختارها و مقررات رسمی و غیررسمی که به تعریف روشهایی می‌پردازند که بدان وسیله افراد و سازمانها می‌توانند بر تصمیماتی که بر رفاه و کیفیت زندگی آنها تأثیر می‌گذارد، اعمال قدرت کنند. (وارث، ۱۳۸۰: ۵۵)

حکمرانی مطلوب، شامل ایجاد، حمایت و اجرای حقوق مالکیت بدون محدود شدن مبادلات بازار است. این شکل از حکمرانی در برگرفته نظامی قانونی است که با بازار برای بهبود رقابت همکاری می‌کند. حکمرانی مطلوب همچنین به معنی نبود فساد است، چرا که فساد می‌تواند موجب تخریب اهداف سیاسی و از بین رفتن مشروعیت نهادهای عمومی حمایت کننده از بازار شود. (حبیبی، ۱۳۸۵: ۳۰۳). در برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۹۷ حکمرانی مطلوب را اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح تعریف می‌شود. حکمرانی مشتمل بر سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و تشکل‌ها منافع خود را ابراز نموده، تعهدات و تکالیف خود را ایفا و اختلافات را با میانجی‌گری حل می‌نمایند. (قلی پور، ۱۳۸۴: ۱۰). یونسکو در سال ۲۰۰۲ حکمرانی مطلوب را به معنای سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی می‌داند که بواسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا درمی‌آورند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند. همچنین حکمرانی مطلوب را فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها با تمرکز بر بازیگران رسمی و غیررسمی تعریف می‌کنند. (قلی پور، ۱۳۸۴: ۱۰).

حکمرانی مطلوب به برنامه‌ها و سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که توسط نهادهای بین-المللی اتخاذ شده و در قبال دادن برخی امتیازات، اجرای آن را به کشورها تحمیل می‌نماید. برای مثال سیاست تعدیل ساختاری که از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول دنبال می‌شود را می‌توان نوعی حکمرانی مطلوب قلمداد نمود.

در حکمرانی مطلوب با مبحث مدیریتی در داخل کشورها مواجهیم که ممکن است شاخص‌های آن از بیرون تعریف و یا تحمیل شوند و یا از درون چنین شاخص‌هایی ایجاد شوند. مفهوم حکمرانی مطلوب اصولاً در منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل ایجاد شده و در سایه حمایت‌های سازمان ملل متحد پرورش یافته است. لذا نگاه عمده‌ی این بحث به توسعه مفهومی است که در چند دهه اخیر به مرور در اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی گوناگون توسعه پیدا کرده است. تعاریف بسیار متعددی برای اصطلاح حکمرانی ارائه نموده‌اند. در یک تعریف از این اصطلاح آمده؛ حکمرانی یعنی اداره قواعد سیاسی رسمی یا غیررسمی یک بازی. حکمرانی اشاره به آن معیارهایی دارد که شامل وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل و فصل تعارضات در چهارچوب آن قواعد است. تمامی تعاریف حکمرانی بیانگر مفهومی وسیع‌تر از حکومت هستند. کاربرد این واژه فقط شامل بازیگران و نهادهای دولت نمی‌شود؛ بلکه شامل سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی می‌گردد. از این روی اصطلاح مذکور حکمرانی دولت را در برمی‌گیرد. اما با درگیر کردن بخش خصوصی و جامعه مدنی از آن فراتر می‌رود. هر سه آنها برای توسعه پایدار ضروری هستند. دولت، محیط سیاسی و حقوقی مناسب به وجود می‌آورد، بخش خصوصی اشتغال و درآمد ایجاد می‌نماید و جامعه مدنی هم تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌نماید.

وظیفه حکمرانی مطلوب نیز همکاری و هماهنگی هر چه بیشتر برای این سه بخش با یکدیگر است. در اعلامیه اجلاس جهانی برای توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ اعلام شده: «دموکراسی، حکمرانی و مدیریت شفاف و پاسخگو در همه بخش‌های جامعه، بنیان حیاتی و ناگزیر برای حقیقت بخشیدن به توسعه پایدار اجتماعی و انسانی است». همچنین حکمرانی مطلوب، شرط اساسی دستیابی به اهداف توسعه هزاره بیان شده

است. در این اعلامیه بر ارزش‌های بنیادین در روابط بین‌المللی شامل آزادی، برابری، همبستگی، بردباری، احترام به طبیعت و مسوولیت مشترک تاکید شده و سپس هدفهای اصلی کشورها از جمله حکمرانی مطلوب مورد تاکید قرار گرفته است. تعریفی که اتحادیه اروپا بیان می‌کند شامل، مدیریت شفاف و پاسخگو در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار است. در تعریفی دیگر، حکمرانی مطلوب شامل احترام سیاستمداران و نهادها به حقوق بشر و اصول دموکراسی و حاکمیت قانون است. همچنین حکمرانی مطلوب به طور خاص به موضوع مدیریت منابع عمومی جهت ایجاد اقتصادی پایدار و شیوه‌های توزیع عادلانه مربوط می‌شود.

همان گونه که از این تعاریف بر می‌آید، حکمرانی مطلوب، به چیزی بیشتر از دولت خوب نیازمند است. سایر بازیگران نیز نظیر کسب و کارها و رسانه، در بهبود و کیفیت زندگی و رفاه کلی گروههای مختلف ذی نفعان تأثیرگذارند. در واقع، حکمرانی بطور کلی شامل شش گروه از ذی نفعان می‌شود که عبارتند از: شهروندان، سازمانهای داوطلب، کسب و کار، رسانه، سطوح بالاتر دولت و پارلمان بعلاوه سطوح بین‌المللی و مقامات دولتی.

حکمرانی متوجه نحوه اعمال قدرت بین بخشهای مختلف جامعه با منافع مختلف است، به‌گونه‌ای که آزادی‌های مرسوم فراهم شود، تجارت رونق گیرد و فرهنگ و هنرهای مختلف امکان رشد پیدا کنند. پس، حکمرانی به خودی خود مهم است، زیرا شرایط لازم- برای انجام کارهایی که مردم ارزش فوق‌العاده‌ای برای آنها قائلند فراهم می‌کند، نظیر آزادی فردی (آزادیهای اجتماعی، مذهبی، کسب و کارها، و...)، حاکمیت قانون و... در عین حال، حکمرانی کوره راهی است برای نیل به پیامدها و شرایط دلخواه. حکمرانی مطلوب را می‌توان به‌عنوان مدلی از حکمرانی تعریف کرد که منجر به نتایج اقتصادی و اجتماعی دلخواه شهروندان می‌شود. ساختارها و روابط نهادی، نه فقط در درون دولت، بلکه بین دولتها و سایر بخشهای جامعه، می‌توانند تأثیری تعیین‌کننده روی پیامدها و نتایج داشته باشند. از این روی می‌توان استدلال نمود کلیه شاخص‌های حکمرانی مطلوب رابطه مثبت و معناداری با توسعه در ابعاد مختلف (بوژه اقتصادی) دارد. (کميجانی، سلاطین، ۱۳۸۷)

۲. شاخص‌های حکمرانی مطلوب و توسعه اقتصادی

حکمرانی مطلوب از طریق ایجاد ساختار انگیزشی مناسب عنصر عدم اطمینان را در اقتصاد کاهش داده و از این رهگذر با افزایش کارایی به رشد اقتصادی بالاتر می‌انجامد. بدون ایجاد، حمایت و اجرای حقوق مالکیت، دامنه مبادلات بازاری کاهش می‌یابد؛ ساختار قوانین و مقررات نامناسب، فرصت‌های سرمایه‌گذاری را تقلیل می‌دهد؛ فساد سیاست‌های دولت را از اهداف واقعی‌اش منحرف می‌سازد و مشروعیت نهادهای دولتی حامی بازار را کاهش می‌دهد. اگرچه در تئوریهای رشد اقتصادی به مولفه‌هایی مانند میزان نمایندگی دولت مردان از جانب مردم، ثبات سیاسی، حدود حاکمیت نظم و قانون، خطر بی‌اعتنایی دولت به قراردادهای فساد در دستگاه اداری، خطر مصادره دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، برخورداری مردم از حق اظهارنظر و نظارت بر اعمال حاکمان، کارآمدی دولت و ... که همگی تحت عنوان مولفه‌های حکمرانی شناخته می‌شوند، کمتر پرداخته می‌شود اما این مولفه‌ها قادرند در کنار سایر عوامل، قدرت توضیح دهنده تئوریهای رشد را در بیان دلایل تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها افزایش دهند. یک مبنای اساسی برای ویژگی‌های حکمرانی مطلوب، شاخص‌های شش‌گانه‌ای است که توسط برنامه توسعه سازمان ملل^۱ و بانک جهانی مطرح شده‌اند. این شاخص‌ها به ترتیب عبارتند از: حق اظهارنظر و پاسخگویی^۲، ثبات سیاسی و پرهیز از خشونت^۳، اثربخشی حکومت^۴، کیفیت قوانین و مقررات^۵، حاکمیت قانون^۶ و نهایتاً کنترل فساد^۷. در حکمرانی مطلوب هدف، به کارگیری حداکثری ظرفیت‌های موجود در هر یک از بخش‌های فوق‌الذکر به منظور نیل به اهداف گسترده‌تری از رفاه اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین در این تعامل، دولت وظایف جدیدی را برعهده می‌گیرد که مبتنی بر حاکمیت قانون و مشارکت است لذا با رویکرد سنتی و مکانیکی نقش دولت بسیار

1 UNDP

2 Voice of Accountability

3 Political Stability and Absence of Violence

4 Government Effectiveness

5 Regulatory Quality

6 Rule of Law

7 Control of Corruption

متفاوت است. حکمرانی مطلوب بر ارزش‌های قانونی و ارزش‌های مشروع به جای ارزش‌های اقتصادی و کارایی صرف اقتصادی تاکید می‌کند. می‌توان میان این تعریف و نگاه مدیریتی به بحث حکمرانی مطلوب ارتباطی برقرار کرد. آنچه در اندیشه مدیریت به ویژه مدیریت دولتی نوین مورد تاکید است ارزش‌های قانونی، ارزش‌های مشروعیتی و پاسخگویی است و این همان چیزی است که در نهایت کارایی اقتصادی را نیز در پی خواهد داشت.

لذا، اصول و ویژگی‌های اساسی مربوط به حکمرانی مطلوب، جهانی و بین‌المللی هستند و تمامی کشورها و دولت‌ها را شامل می‌شود اما اجرای آنها در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. از این جهت کشورها باید بتوانند گونه‌های ملی متعلق به خود را در زمینه حکمرانی مطلوب مشخص و تعیین نمایند. لذا بکارگیری تجربه تاریخی کشورها بر مبنای نظام‌ها، فرهنگ‌ها و ارزش‌های بومی آنها که منعکس‌کننده واقعیت‌های روز است امری مهم و ضروری قلمداد می‌گردد. در نتیجه حکمرانی مطلوب، حکمرانی محلی است. پرداختن به مجاری ارتباطی میان مولفه‌های حکمرانی مطلوب و رشد اقتصادی دارای اهمیت است؛

حق اظهار نظر و پاسخگویی؛ باید اذعان داشت که آزادی‌های قانونی و انتشار آزاد اطلاعات که مصادیقی از وجود حق اظهار نظر و پاسخگویی هستند، موجب تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. از سوی دیگر وجود نهادهای جامعه مدنی مثل انجمن‌های صنفی، اتحادیه‌ها، احزاب و انتخابات آزاد و سالم به مردم یک جامعه قدرت می‌بخشد تا دولت‌ها را انتخاب، کنترل و برکنار کنند. طبیعی است که در چنین شرایطی قدرت شهروندان و استقلال رسانه‌ها نقش مهمی در کنترل وزیر نظرگرفتن صاحبان قدرت و پاسخگو نگاه داشتن آنها در برابر اقدامات شان ایفاء خواهد کرد. از این رو خطای سیاستگذاران تحت کنترل اجتماعی قرار گرفته و کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی صاحبان کسب و کار از بینش و قدرت لازم برای نقد سیاست‌های اقتصادی نادرست دولت و مقابله با تغییرات نابجا در قوانین برخوردار هستند. حال آنکه در صورت نبود سازوکارهای نظارتی، شفافیت قوانین، مقررات و سیاست‌های دولت

کاهش می یابد. این امر هزینه‌های کسب و کار را افزایش داده و از این رهگذر مانع توسعه کسب و کار، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود.

ثبات سیاسی؛ در صورت نبود این شاخص انگیزه کمی وجود خواهد داشت که تولید اقتصادی رونق یابد، زیرا همواره بیم آن می‌رود که مورد تعرض قرار گیرد. بدیهی است درگیری‌های جناحی، نزاع‌های داخلی، ترور، کودتا و پدیده‌های مانند آن با از بین بردن ثبات سیاسی موجب افزایش ریسک و بی‌اطمینانی در فضای اقتصادی یک کشور می‌گردد و از این رهگذر موجب کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و به تبع آن کاهش تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه شده و مانع رشد اقتصادی می‌شود. (راغفر، ۱۳۸۲: ۱۳۹)

اثربخشی؛ منظور از اثربخشی دولت، توانایی آن در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح و لازمه آن و برخورداری از یک دستگاه اداری کارآمد است. یک دستگاه اداری کارآمد باید از قدرت و مهارت لازم برای اداره امور کشور برخوردار بوده و قادر باشد از بروز تغییرات چشمگیر در سیاست‌ها پیشگیری کند، از فشارهای سیاسی تاثیر نپذیرفته و مکانیزم‌های شفاف برای جذب نیروهای جدید داشته باشد. بوروکراسی‌های شایسته می‌توانند به کارآفرینان منفرد کمک کنند تا از پس مشکلات هماهنگی که ممکن است به ویژه در برانگیختن فعالیت‌های جدید حیاتی باشد برآیند. (مومنی، ۱۳۸۵: ۱۹۴)

کیفیت قوانین و مقررات؛ این شاخصی یکی از مهمترین نهادهایی است که می‌تواند بر عملکرد اقتصادی جوامع تاثیر بگذارد. قوانین و مقررات اختلال‌زا در مسیر راه اندازی یک کسب و کار به اشکالی چون مجوزها و موافقت نامه های دولتی دست و پاگیر، قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاه‌های خصوصی چون قانون کار، محدودیت‌های تجاری، بارمالیاتی بالا، هزینه اولیه پروژه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد که اگر این هزینه‌ها به اندازه کافی بزرگ باشد، کارآفرینان عقلایی ممکن است از سرمایه‌گذاری دست بکشند.

حاکمیت قانون؛ معرف میزان احترام عمل قایل شده توسط شهروندان و دولتمردان یک کشور برای نهادهای است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلافات ایجاد شده‌اند. بنابراین تعریف زمانی می‌توان ادعا کرد که در یک جامعه قانون حاکم است که

سه شرط تامین شده باشد. شرط اول حمایت از افراد در مقابل دزدی، خشونت و دیگر اقدام‌های غارتگری است. شرط دوم حمایت در مقابل اقدام‌های خود سرانه دولتی است که فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌کند و شرط سوم وجود نظام قضایی قابل پیش‌بینی و منصف است. (بانک جهانی، ۱۹۹۷، ۱۰۲) تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها، کلیدی برای هدایت صحیح منابع به سرمایه‌گذاری‌های مولد و جلوگیری از اتلاف آن در فعالیت‌های رانت‌جویانه است و ناتوانی یک جامعه در فراهم آوردن سازوکارهایی برای تضمین قراردادها به شیوه ای کارآ و کم‌هزینه، یکی از مهمترین دلایل رکودهای تاریخی و همین‌طور توسعه نیافتگی‌های برخی کشورهاست. (نورث، ۱۹۹۹) به عبارت ساده‌تر وقتی این احتمال وجود دارد که شریک تجاری افراد اعم از دولت یا افراد، از قراردادها پیروی نکنند، آنچه افزایش خواهد یافت احتمالاً میزان ریسک است و نه تولید.

کنترل فساد؛ فساد به معنی استفاده از قدرت عمومی در جهت تامین منافع شخصی یا گروهی آثار زیانباری بر رشد اقتصادی دارد. در شرایطی که فساد در جامعه شایع شود افراد جامعه خصوصاً نیروهای انسانی با استعداد به جای استفاده از ابتکار و نوآوری خود، سعی می‌کنند از رهگذر پرداخت رشوه و تبانی با مقامات دولتی، اقدام به کسب یک رانت قانونی یا مجوز دولتی نمایند. حال آنکه این افراد به طور بالقوه می‌توانند ظرفیت جامعه را از لحاظ پیشرفت‌های فنی ارتقا دهند. علاوه بر این وجود فساد، جذابیت‌های اقتصادی را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش داده و بنگاه‌های دولتی را به سمت فعالیت‌های غیررسمی که عمدتاً با پرداخت کمتر مالیات به دولت همراه است، سوق می‌دهد. بنابراین، وجود فساد قادر است درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را کاهش داده و از این طریق دولت‌ها را در اجرای وظایف خود که همانا ارائه خدمات زیربنایی و کالاهای عمومی مؤثر در فرایند تولید است، ناتوان سازد. (نورث، ۱۹۹۹)

۳. شاخص‌های حکمرانی مطلوب در ایران

پس از بررسی مفاهیم مرتبط با توسعه و حکمرانی مطلوب، در این بخش به بررسی وضعیت شاخص‌های حکمرانی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های نهم و دهم (۲۰۱۲-۲۰۰۵) می‌پردازیم. پیش‌تر از این اشاره کردیم که بانک جهانی حکمرانی

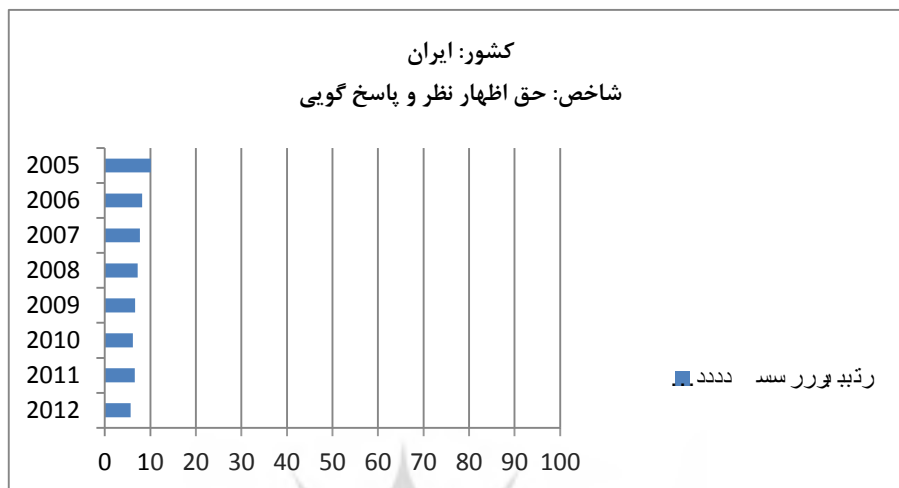
مطلوب را در قالب شش شاخص اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص‌ها حاصل مطالعه سه تن از محققان بانک جهانی دانیل کافمن^۱، آرت کرای^۲ و پابلو زیودو لوباتون^۳ است که یافته‌های موسسات مختلف بین‌المللی همچون^۴ ICRG، EIU^۵، بنیاد هریتیج^۶ و خانه آزادی^۷ پیرامون وضعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص‌های کلی و جدیدی تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی مطلوب معرفی نموده‌اند. این محققین کار خود را با این فرضیه آغاز کرده‌اند که چگونه رسوم و نهادهایی که از مجرای آنها حاکمیت در یک کشور اعمال می‌شود، در رشد و توسعه آن کشور موثرند؟ (حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۳، ۱۴۶) نتیجه کار این سه محقق در همگن‌سازی و تجمیع تمامی اطلاعات درباره یک کشور خاص، در قالب شش شاخص پیشتر اشاره شده و با دادن نمراتی از ۲/۵- (بدترین وضعیت) تا ۲/۵+ (بهترین وضعیت) و در صدبندی کیفیت برای هر شاخص قابل ارائه است.

شاخص اول- حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی

آمارهای ارائه شده از سوی بانک جهانی نشان می‌دهد در این شاخص وضعیت جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۱۲ با رشد منفی مواجه شده است. بر این اساس امتیاز ایران از ۲۰۰۵ که منفی ۱,۳۰ بوده در سال ۲۰۱۲ به منفی ۱,۸۷ رسیده است. این در حالیست که درصد نرخ کیفی وضعیت ایران در این شاخص در سال پایه ۱۰,۱۰ درصد بوده ولی در سال ۲۰۱۲ به ۵,۶۹ درصد کاهش یافته است. یعنی یک/دوم وضعیت آن بدتر گردیده است. (World Bank, WGI, 2013)

1 Daniel Kufmann
2 Aart Kraay
3 Pablo Zoido Lobaton
4 International Country Risk Group
5 Economist Intelligence Unit
6 Heritage Foundation
7 Freedom House

نمودار شماره ۱ - حق اظهار نظر و پاسخ گویی



۲۲۵

سیاست جهانی

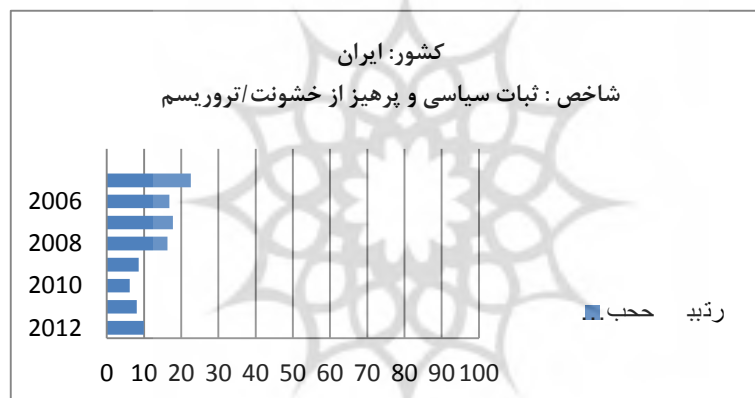
جدول شماره ۱ - حق اظهار نظر و پاسخ گویی

شاخص	کشور	سال	تعداد منابع	امتیاز حکمرانی تا +۲,۵ -۲,۵	رتبه بر حسب درصد (۱۰۰ تا ۰)	معیار خطا
اظهار نظر و پاسخ گویی	جمهوری اسلامی ایران	۲۰۰۵	۱۰	-۱/۳۰	۱۰/۱۰	۰/۱۶
		۲۰۰۶	۱۲	-۱/۴۷	۸/۱۷	۰/۱۲
		۲۰۰۷	۱۱	-۱/۵۳	۷/۶۹	۰/۱۲
		۲۰۰۸	۱۱	-۱/۵۴	۷/۲۱	۰/۱۲
		۲۰۰۹	۱۱	-۱/۵۵	۶/۶۴	۰/۱۲
		۲۰۱۰	۱۲	-۱/۵۷	۶/۱۶	۰/۱۲
		۲۰۱۱	۱۲	-۱/۵۴	۶/۵۷	۰/۱۲
		۲۰۱۲	۱۲	-۱/۵۷	۵/۶۹	۰/۱۲

شاخص دوم- ثبات سیاسی و پرهیز از خشونت

وضعیت این شاخص هم از سال ۲۰۰۵ با رشد منفی مواجه شده است و بدین طریق نقشی که حکمرانی مطلوب در مدیریت منابع توسعه‌ای می‌تواند داشت باشد، تضعیف شده است. امتیاز این شاخص در سال ۲۰۰۵ برای ایران منفی ۰٫۸۱ بوده در حالیکه در سال ۲۰۱۲ به امتیاز منفی ۱٫۳۲ رسیده است. این در حالیست که درصد نرخ کیفی وضعیت ایران در این شاخص در سال پایه ۲۲٫۶۰ درصد بوده ولی در سال ۲۰۱۲ به ۹٫۹۵ درصد کاهش یافته است. یعنی بیش از یک/دوم وضعیت آن بدتر شده است. (World Bank, WGI, 2013)

نمودار شماره ۲ - ثبات سیاسی و پرهیز از خشونت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

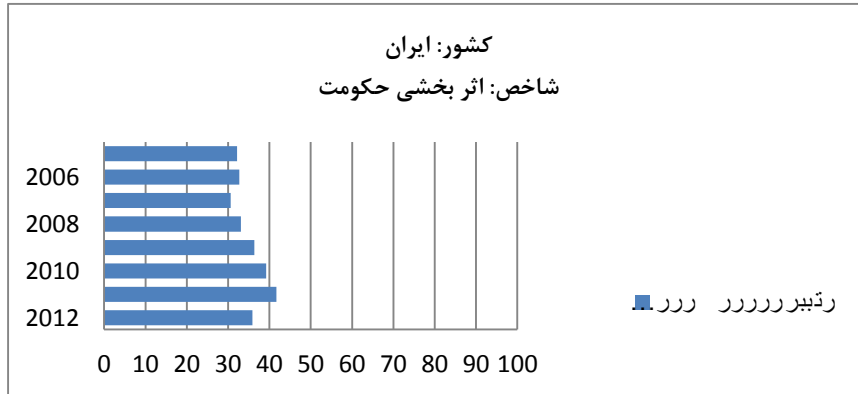
جدول شماره ۲ - ثبات سیاسی و پرهیز از خشونت

شاخص	کشور	سال	تعداد منابع	امتیاز حکمرانی تا (+۲,۵) (-۲,۵)	رتبه بر حسب درصد (۰ تا ۱۰۰)	معیار خطا
ثبات سیاسی و پرهیز از خشونت/تروریسم	جمهوری اسلامی ایران	۲۰۰۵	۵	-۰/۸۱	۲۲/۶۰	۰/۲۹
		۲۰۰۶	۶	-۱/۰۸	۱۶/۸۳	۰/۲۵
		۲۰۰۷	۶	-۰/۹۹	۱۷/۷۹	۰/۲۵
		۲۰۰۸	۶	-۰/۹۸	۱۶/۲۷	۰/۲۵
		۲۰۰۹	۶	-۱/۵۵	۸/۵۳	۰/۲۵
		۲۰۱۰	۷	-۱/۶۲	۶/۱۳	۰/۲۴
		۲۰۱۱	۸	-۱/۴۲	۸/۰۲	۰/۲۴
		۲۰۱۲	۸	-۱/۳۲	۹/۹۵	۰/۲۲

شاخص سوم - اثربخشی حکومت

در این شاخص، وضعیت اندکی بهبود یافته است. نگاه به آمار ارائه شده نشان می‌دهد امتیاز ایران در سال ۲۰۰۵ عدد منفی ۰,۶۲ بوده که این وضعیت در سال ۲۰۱۲ عدد منفی ۰,۵۴ را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر شاخص اثربخشی حکومت ۰,۰۸ رشد مثبت داشته است. در همین خصوص درصد نرخ کیفی وضعیت ایران در این شاخص در سال پایه ۳۲,۲۰ درصد بوده ولی در سال ۲۰۱۲ به ۳۵,۸۹ درصد بهبود یافته است. یعنی نزدیک به سه و نیم درصد وضعیت آن بهتر شده است. (World Bank, WGI, 2013)

نمودار شماره ۳ - اثربخشی حکومت



۲۲۸



جدول شماره ۳ - اثربخشی حکومت

شاخص	کشور	سال	تعداد منابع	امتیاز حکمرانی (۲,۵+ تا ۲,۵-)	رتبه بر حسب درصد (۱۰۰ تا ۰)	معیار خطا
اثر بخشی حکومت	جمهوری اسلامی ایران	۲۰۰۵	۶	-۰/۶۲	۳۲/۲۰	۰/۲۰
		۲۰۰۶	۸	-۰/۵۷	۳۲/۶۸	۰/۲۱
		۲۰۰۷	۷	-۰/۵۹	۳۰/۵۸	۰/۲۲
		۲۰۰۸	۷	-۰/۴۱	۳۳/۰۱	۰/۲۲
		۲۰۰۹	۷	-۰/۵۷	۳۶/۳۶	۰/۲۲
		۲۰۱۰	۷	-۰/۴۸	۳۹/۲۳	۰/۲۲
		۲۰۱۱	۷	-۰/۴۴	۴۱/۷۱	۰/۲۲
		۲۰۱۲	۷	-۰/۵۴	۳۵/۸۹	۰/۲۲

شاخص چهارم - کیفیت قوانین

کیفیت قوانین یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه در همه کشورها بشمار می‌رود. متأسفانه در ایران، رشد منفی در این شاخص هم در سال‌های مورد مطالعه ادامه داشته است. آمارها نشان می‌دهند امتیاز ایران در سال ۲۰۰۵ عدد منفی ۱,۲۸ بوده که در سال ۲۰۱۲ این عدد به منفی ۱,۴۳ کاهش یافته است. درصد نرخ کیفی وضعیت ایران در این شاخص در سال پایه ۱۰,۷۸ درصد بوده ولی در سال ۲۰۱۲ به ۶,۷۰ درصد کاهش یافته است. یعنی بیش از یک/سوم وضعیت آن بدتر شده است. (World Bank, WGI, 2013)

۲۲۹

سیاست جهانی

نمودار شماره ۴ - کیفیت قوانین



جدول شماره ۴- کیفیت قوانین

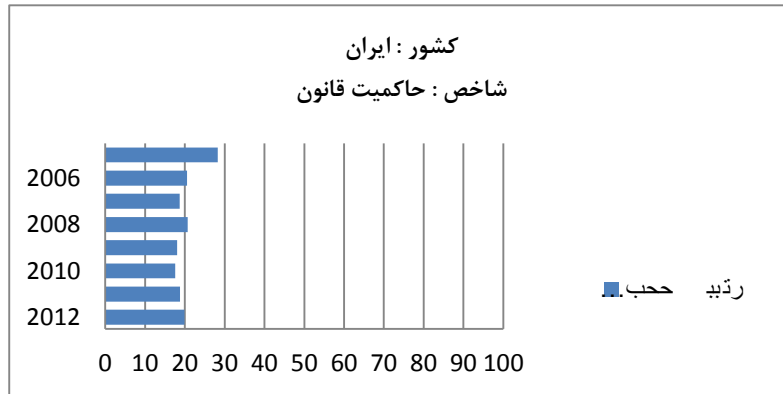
شاخص	کشور	سال	تعداد منابع	امتیاز حکمرانی تا +۲,۵ -۲,۵	رتبه بر حسب درصد (۱۰۰ تا ۰)	معیار خطا
کیفیت قوانین	جمهوری اسلامی ایران	۲۰۰۵	۷	-۱/۲۸	۱۰/۷۸	۰/۱۸
		۲۰۰۶	۸	-۱/۴۹	۴/۴۱	۰/۱۹
		۲۰۰۷	۷	-۱/۵۹	۳/۸۸	۰/۲۰
		۲۰۰۸	۷	-۱/۶۴	۲/۹۱	۰/۲۰
		۲۰۰۹	۷	-۱/۷۳	۲/۸۷	۰/۱۹
		۲۰۱۰	۷	-۱/۷۰	۲/۸۷	۰/۲۱
		۲۰۱۱	۸	-۱/۵۱	۵/۶۹	۰/۱۹
		۲۰۱۲	۸	-۱/۴۳	۶/۷۰	۰/۲۱

شاخص پنجم- حاکمیت قانون

حاکمیت قانون نقش مهمی در اداره جامعه دارد به گونه‌ای که بسیاری توسعه سیاسی (دموکراسی) و رونق اقتصادی را عیناً با حاکمیت قانون برابر می‌دانند. لذا این شاخص هم از اهمیت ویژه‌ای در توسعه برخوردار است. بانک جهانی بر اساس مطالعاتی که در این خصوص انجام داده، اعلام داشته که جمهوری اسلامی ایران در این شاخص از رشد منفی برخوردار بوده است. به گونه‌ای که امتیاز ایران در سال ۲۰۰۵ عدد منفی ۰,۷۷ بوده که این رقم در سال ۲۰۱۲ به عدد منفی ۰,۹۰ رسیده است. این در حالیست که درصد نرخ کیفی وضعیت ایران در این شاخص در سال پایه ۲۸,۲۳ درصد بوده ولی در سال ۲۰۱۲ به ۱۹,۹۱ درصد کاهش یافته است. یعنی یک/سوم وضعیت آن بدتر شده است.

(World Bank, WGI, 2013)

نمودار شماره ۵- حاکمیت قانون



۲۳۱

سیاست جهانی

جدول شماره ۵- حاکمیت قانون

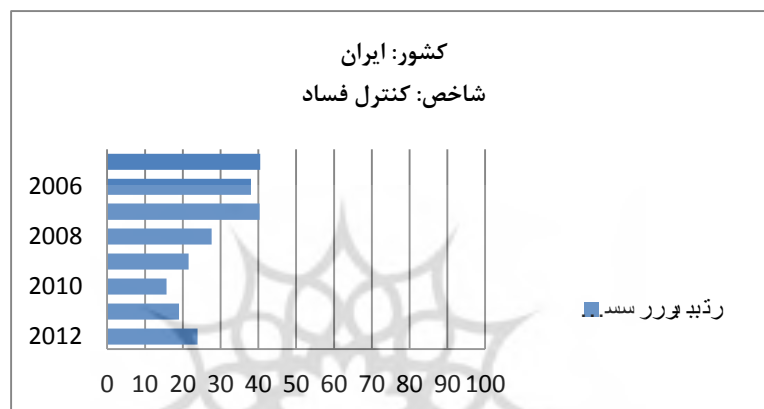
شاخص	کشور	سال	تعداد منابع	امتیاز حکمرانی (۲,۵+ تا ۲,۵-)	رتبه بر حسب درصد (۱۰۰ تا ۰)	معیار خطا
حاکمیت قانون	جمهوری اسلامی ایران	۲۰۰۵	۱۰	-۰,۷۷	۲۸/۲۳	۰/۱۸
		۲۰۰۶	۱۲	-۰/۹۰	۲۰/۵۷	۰/۱۷
		۲۰۰۷	۱۱	-۰/۹۲	۱۸/۶۶	۰/۱۷
		۲۰۰۸	۱۱	-۰/۸۵	۲۰/۶۷	۰/۱۶
		۲۰۰۹	۱۱	-۰/۹۴	۱۸/۰۱	۰/۱۶
		۲۰۱۰	۱۱	-۰/۹۸	۱۷/۵۴	۰/۱۶
		۲۰۱۱	۱۲	-۰/۹۴	۱۸/۷۸	۰/۱۵
		۲۰۱۲	۱۲	۰/۹۰	۱۹/۹۱	۰/۱۵

شاخص ششم- کنترل فساد

طبق آمار منتشر شده در خصوص این شاخص، رشد منفی ایران قابل توجه بوده و این خود گویای ناتوانی دولت در بکارگیری امکانات در مسیر توسعه دارد. بر این اساس، امتیاز ایران در سال ۲۰۰۵ عدد منفی ۰,۴۴ را نشان می دهد و این عدد در سال ۲۰۱۲ به

منفی ۰,۸۲ رسیده که نشان از کاهش توانایی دولت در کنترل فساد داشته است. در همین حال، درصد نرخ کیفی وضعیت ایران در این شاخص در سال پایه ۴۰,۴۹ درصد بوده ولی در سال ۲۰۱۲ به ۲۳,۹۲ درصد کاهش یافته است. یعنی نزدیک به یک/دوم وضعیت آن بدتر شده که این رقم در نوع خود قابل توجه است. (World Bank, WGI, 2013)

نمودار شماره ۶ - کنترل فساد



جدول شماره ۶ - کنترل فساد

شاخص	کشور	سال	تعداد منابع	امتیاز حکمرانی (۲,۵+ تا -۲,۵)	رتبه بر حسب درصد (۱۰۰ تا ۰)	معیار خطا
کنترل فساد	جمهوری اسلامی ایران	۲۰۰۵	۷	-۰/۴۴	۴۰/۴۹	۰/۲۰
		۲۰۰۶	۹	-۰/۴۸	۳۸/۰۵	۰/۱۸
		۲۰۰۷	۸	-۰/۴۶	۴۰/۲۹	۰/۱۸
		۲۰۰۸	۸	-۰/۷۱	۲۷/۶۷	۰/۱۸
		۲۰۰۹	۸	-۰/۸۶	۲۱/۵۳	۰/۲۰
		۲۰۱۰	۸	-۰/۹۹	۱۵/۷۱	۰/۱۹
		۲۰۱۱	۹	-۰/۹۲	۱۸/۹۶	۰/۱۷
		۲۰۱۲	۹	۰/۸۲	۲۳/۹۲	۰/۱۶

نتیجه گیری

تقسیم‌بندی کشورها به توسعه یافته و در حال توسعه، قبل از هر چیز، بر عملکرد اقتصادی و به طور مشخص به نرخ رشد اقتصادی بلند مدت آن مبتنی است. به همین روی، دستیابی به نرخ رشد بالای توسعه هدف اولیه کلیه نظام‌های سیاسی و نقطه مطلوب تمامی تلاش‌های آنهاست برای رسیدن به این پاسخ که چرا کشورهای مختلف از سطح توسعه متفاوت برخوردارند؟ و تفاوت در رشد اقتصادی کشورها از کجا ناشی می‌شود؟ در مدل‌های سنتی، توسعه و رشد اقتصادی محصول نرخ پس‌انداز و نرخ رشد عوامل تولید است. در مدل‌های دیگر، کنترل عواملی همچون سرمایه انسانی و درجه توسعه‌یافتگی بخش مالی اهمیت می‌یابند. در مدل‌های جدیدتر، پژوهشگران توجه خود را به عوامل غیر اقتصادی تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری و رشد متمرکز کردند. در این زمینه موضوعاتی از قبیل؛ میزان نمایندگی دولتمردان از جانب مردم، ثبات سیاسی، میزان ثبات رژیم حاکم و احتمال تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ و میر یا تغییر رهبران سیاسی، حدود حاکمیت نظم و قانون، خطر بی‌اعتنایی به قراردادهای توسط مردم، فساد در دستگاه اداری و موضوعاتی از این دست، متغیرهای جدیدی بودند که وارد ادبیات توسعه و رشد اقتصادی شدند و به تدریج این مفاهیم تحت عنوان شاخص‌های حکمرانی مطلوب شناخته شدند. در حال حاضر این شاخص‌ها بیش از مفاهیم مطرح شده پیشین، از توان توضیح‌دهندگی تفاوت در عملکرد کشورها و مناطق مختلف جهان در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی برخوردارند. این شاخص‌های وضعیت نظام سیاسی و اقتصادی کشورها را نمایان می‌سازند. همانگونه که در ابتدای مقاله ترسیم گردید در صدد پاسخ به این پرسش بودیم که با توجه به وضعیت نابسامان رشد اقتصادی کشور در دولتهای نهم و دهم، وضعیت شاخص‌های حکمرانی مطلوب که در توسعه اقتصادی نقش مهم داشته‌اند، چگونه بوده است؟ بر این اساس فرضیه در نظر گرفته شده عبارت است از اینکه؛ رشد منفی شاخص‌های حکمرانی مطلوب در ایران یکی از مهمترین دلایل رشد منفی اقتصادی بوده است. با بررسی به عمل آمده نشان داده شد در دوره دولت‌های نهم و دهم، علیرقم افزایش چشم‌گیر درآمدهای نفتی کشور،

توسعه و رشد اقتصادی با رشد منفی مواجه شده، زیرا عمده شاخص‌های حکمرانی خوب در کشور افول نموده‌اند، بطوریکه؛

- شاخص اظهارنظر و پاسخگویی، از سال پایه تا ۲۰۱۲، حدود ۴,۴۱٪ کاهش یافته است.

- شاخص ثبات سیاسی و پرهیز از خشونت، از سال پایه تا ۲۰۱۲، حدود ۱۲,۶۵٪ کاهش داشته است.

- شاخص کیفیت قوانین، از سال پایه تا ۲۰۱۲، حدود ۴,۰۸٪ با کاهش مواجه شده است.

- شاخص حاکمیت قانون، از سال پایه تا ۲۰۱۲، حدود ۱۶,۵۷٪ کاهش یافته است.

- و بیش از همه شاخص کنترل فساد، از سال پایه تا ۲۰۲، حدود ۱۶,۵۷٪ با کاهش مواجه شده است.

- و نهایتاً تنها شاخصی که از رشد مثبت برخوردار بوده، شاخص کارآمدی حکومت است که از سال پایه تا ۲۰۱۲، حدود ۳,۶۰٪ بهبود یافته است.

راهکارهای شش‌گانه‌ای برای برون رفت از وضعیت بوجود آمده بشرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

اول- در خصوص شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی؛ عمده اقدامات در این زمینه می‌تواند عبارت باشد از؛ تقویت جامعه مدنی و نهادهای مربوط بدان، رفع موانع حقوق و اداری بازدارنده در تاسیس نهادهای مدنی، تمرکز زدایی از وظایف دولت، تقویت رسانه‌های مستقل، شفافیت بخشی و جریان آزاد اطلاعات در نظام اداری کشور و به رسمیت شناختن حق نظارت عمومی از سوی دولت.

دوم- در خصوص شاخص اثربخشی دولت؛ عمده اقدامات در این زمینه می‌تواند عبارت باشد از؛ مدیریت سرمایه‌های انسانی، ساده‌سازی روش و فرآیندهای انجام کار، ایجاد سیستم جامع پذیرش و بررسی پیشنهادهای و تقویت ظرفیت اداری و اجرایی موسسات دولتی.

سوم- در خصوص شاخص ثبات سیاسی، عمده اقدامات در این زمینه می‌تواند عبارت باشد از؛ کاهش منازعات سیاسی، کاهش وابستگی به درآمد نفت، لزوم رابطه هوشمندانه با دنیای خارج و نه انزوایی، کاهش میزان خشونت سیاسی در پرتو کاهش تنش‌های مختلف داخلی.

چهارم- در خصوص شاخص حاکمیت قانون؛ عمده اقدامات در این زمینه می‌تواند عبارت باشد از؛ ایجاد نظام حقوق سالم، افزایش ضمانت اجرای قوانین، بررسی کارشناسانه پیش نویس قوانین، اصلاح نظام قضایی، ایجاد سازوکارهای نوآورانه مانند روش‌های نوین برای حل منازعات و ثبات در برنامه و اهداف ارائه شده توسط دولت.

پنجم- در خصوص شاخص کیفیت قوانین و مقررات؛ عمده اقدامات در این زمینه می‌تواند عبارت باشد از؛ سازگار کردن قوانین بخصوص قوانین اقتصادی با قواعد بین المللی، حذف قوانین غیر ضروری و کاهش مقررات دست و پا گیر.

ششم- در خصوص شاخص کنترل فساد؛ عمده اقدامات در این زمینه می‌تواند عبارت باشد از؛ کاهش بوروکراسی و سیاست زدایی از نظام اداری، تاسیس کمیسیون‌های مستقل مبارزه با فساد، نهادینه کردن نظام‌های حکمرانی شرکتی و تعیین تکلیف مقرراتی که منافع متضاد ایجاد می‌نمایند.

منابع

- اولسن، مانسر. ۱۳۸۲. *استبداد، مردم سالاری و توسعه در دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی*، ترجمه حسین زاغفر، انتشارات نقش و نگار.
- ایوانز، پیتر. و جیمز، راج. ۱۳۸۵. *بوروکراسی و رشد، اثر ساختارهای دولت و بری بر رشد اقتصادی*؛ ترجمه فریبا مومنی، موسسه مطالعات دین و اقتصاد، *فصلنامه اقتصاد سیاسی*، شماره ۳.
- حسین زاده بحرینی، محمد حسین. ۱۳۸۳. عوامل موثر بر امنیت سرمایه گذاری در ایران، *فصلنامه جستارهای اقتصادی*، ۱ (۲).
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. ۱۳۸۵. *گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۰۲ بانک جهانی، نهادسازی برای بازار*، ترجمه علی حبیبی.
- سازمان ملل متحد. ۲۰۰۰. *اعلامیه هزاره، نیویورک*.

شریف، آزاده. و محمد حسین، حسین زاده بحرینی. ۱۳۸۲. تاثیرپذیری سرمایه گذاری خصوصی در ایران و شاخص های امنیت اقتصادی در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۵۸، نشریه نامه مفید، ۳۸. قلی پور، رحمت الله. ۱۳۸۴. حکمرانی خوب و امکانش اجرای آن در ایران، مجموعه سخنرانی ها؛ موسسه عالی آموزش و پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.

کمیجانی، اکبر. و سلاطین، پروانه. ۱۳۸۷. "تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای OPEC و OECD" فصلنامه مدل سازی اقتصادی، ۲.

موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی. ۱۳۷۸. گزارش توسعه جهانی سال ۱۹۹۷ بانک جهانی در خصوص نقش دولت در جهان در حال تحول.

نورث، داگلاس سی. ۱۳۸۲. شناخت فرآیند تحول اقتصادی، در راغفر، حسین؛ دولت، فساد و فرصت های اجتماعی، انتشارات نقش و نگار.

وارث، سید حامد. ۱۳۸۰. "نگرش فرآپارادایمی به مدیریت دولتی"، دنتشکده مدیریت دانشگاه تهران، فصلنامه دانش مدیریت، ۱۴ (۵۵).

Anne Mette Kjar , *Governance ; key concepts*, 2004 pp 1-2

Feddereke, Johannes & Klitgrad, Robert, "*Economic Growth and Social Indicators : an Exploratory analysis*" The University of Chicago, 1998, pp. 755-756

<http://www.mirror.undp.org/magnet/policy>

UNDP, *Governance for sustainable growth and equity report of international conference*, Unitednations, new York, 28 – 30 July 1999

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی